

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران

کیفیت حضور زنان فاطمی در جامعه از منظر قرآن کریم و روایات

زهرا شوقیان عزت^۱

چکیده

یکی از معیارهای سنجش درجه معنویت و توسعه یافتگی زنان یک اجتماع، نحوه فعالیت و حضور زنان در آن جامعه می- باشد. با روی کار آمدن اسلام در جوامع، مجموعه‌ای از تغییر و تحولات اساسی در تمام سطوح نظامی، اجتماعی، پدید آمد از جمله آن، نحوه حضور زنان در تمام عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی بوده است. روش به کاررفته در این مقاله براساس نگرش، کاربردی و بر مبنای راهبرد توصیفی و بر پایه راهکار کتابخانه‌ای است که در آن کیفیت و شروط و دلایل مشروعیت حضور زنان در جامعه اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و به نقاط مثبت و منفی و بررسی نوع پوشش و گفتار و رفتار زنان در حضور اجتماعی‌شان پرداخته شده است، بابررسی‌هایی که انجام شد معلوم گردید، اسلام حضور زنان در جامعه را تایید کرده است و برای آن شروطی قائل است، از روایات ائمه اطهار علیهم السلام و سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) حضور زنان در اجتماع مشهود است. از شروط جواز حضور زنان در جامعه، داشتن پوشش اسلامی است که شامل پوشش خماری و در حد اعلای آن پوشش جلبابی است. زنان باید در طرز گفتار و رفتار و شیوه راه رفتن خود در اجتماع نهایت دقت را داشته باشند و به گونه‌ای رفتار کنند که منافعی عفت نباشد. در این پژوهش کیفیت حضور زنان مسلمان در برنامه‌های توسعه، اشتغال و آموزش بررسی شده است..

کلید واژه‌ها: جامعه، حضور اجتماعی. زن

مقدمه

زمانی که پرده جهل و ظلمت، بر سراسر جزیره العرب کشیده شده بود، دختران، زنده به گور می‌شدند و اگر هم زنده می‌ماندند، بهره‌کشی از آنان آزاد بود و به بدترین وجه، زندگی را سپری میکردند؛ نادر زنان آن روزگار می‌توانستند خود را از قید و بند جهالت و ظلم، رهانیده و مشارکت اجتماعی، اقتصادی و ... را در اجتماع، به نمایش بگذارند. افراد معدودی در اجتماع، به عنوان یک زن که مظهر عطف و مهربانی است و به عنوان موجودی دارای اندیشه، آرمانخواه و دارای عملکرد برتر، بروز میکردند.

فضل الهی بر آن قرار گرفت که در اجتماعی که کوچک‌ترین توجهی به زنان ندارد، دینی ظهور کند که ارزش زنان را چون مردان قرار داده و تنها معیار تقوا را اصل بداند.

بعد از ظهور اسلام، زنان می‌توانستند آزادانه به پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» رجوع کنند و مسائل خود را با ایشان در میان بگذارند با ایشان بیعت کنند حتی به ایشان اعتراض کنند.

^۱ دانشجوی دکترا، phzarekar2011@gmail.com

پایه و منزلت زنان تا بدان حد رفیع گشت که برای رفع تهمت از یک زن پاک آیاتی نازل میشد

«آری ارزش کار زن و مرد به تقواست و ارزش گزار به کارها، پروردگار عالم است که زن و مرد را خلق کرده و از نیات حقیقی آنها مطلع است.» خداوند متعال دین مقدس اسلام را برای سعادت و خوشبختی انسانها نازل فرموده و عفت و پاکدامنی را با آفرینش زن به هم آمیخته و برای او قوانین مخصوصی وضع کرده است و حجاب و پوشش در رأس آن قانون قرار گرفته تا عفت برونی زن با عفت درونی او هماهنگ گردد. این نوشته به کیفیت حضور زنان در جامعه پرداخته.

مفهوم شناسی

الف: مفهوم کیفیت

کیفیت مصدر از ریشه کیف میباشد. لغت شناسان، کیفیت را اینگونه معنا کرده اند: چگونگی و حالت و وضعی که باشد در چیزی^۱؛ صفت و حالت و چگونگی چیزی^۲؛ مصدر صناعی از لفظ کیف^۳

کیف: حرف أده، و نصبوا الفاء، فرارا ... یلتقی ساکنان. و کیفیت " کیف "، أی: صورته و کتبه^۴.

ب: مفهوم اجتماع:

اجتماع مصدر باب افتعال است. فراهیدی در کتاب العین اجتماع را به تشکیلی از مردم تعریف کرده است: حلقه من الناس^۵. لغت شناسان اجتماع را به معنای جمع شدن، دور هم گرد آمدن و فراهم نمودن^۶ ترجمه کرده اند؛ درجایی اجتماع را جامعه بشری معنا کرده اند.^۷ اصطلاح جامعه در میان دانشمندان از پرابهام ترین و کلی ترین واژگان است و گاه آن را مترادف با ملت و امت میدانند و گاهی هم آن را مترادف با اصطلاح تمدن، به معنای مجموعه ای گسترش یافته در دوره ای قابل ملاحظه از زمان می دانند^۸ و عده ای نیز آن را به جمع شدن ارادی افرادی برای دستیابی به امتیازات مستقیم و غیر مستقیم تعریف کرده اند.^۹

۱ جبران مسعود، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۴۶۷

۲ دهخدا، بی تا

۳ عمید، بی تا، ص ۹۷۳

۴ معجم المعانی الجامع

۵ العین، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۴۱۴

۶ همان، ج ۷، ص ۱۳

۷ عمید، بی تا، ص ۹۰

۸ جبران مسعود، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۱

۹ جامعه شناسی، ص ۲۰۲

۱۰ فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۳۸۸

۱۱ فرهنگ اصطلاحات اجتماعی،

حضور اجتماعی

حضور و حُضْر: جایی که در آن فرود آیند، حاضر بودن، نزد کسی بودن، مقابل غیبت.^۱

.. أَى عِنْدَهُ؛ وَرَجُلٌ حَاضِرٌ وَقَوْمٌ حُضِرَ وَحُضُورٌ. وَإِنَّ لِحَسَنِ الْحُضْرَةِ وَالْحِضْرَةَ إِذَا حَضَرَ بِخَيْرٍ. وَفُلَانٌ حَسَنٌ ... الْمَحْضَرِ إِذَا كَانَ مِمَّنْ ...^۲

در فرهنگ اصطلاحات اجتماعی، در جمع واژه های حضور و اجتماع، این معنای اصطلاحی از حضور اجتماعی به ذهن می آید که هر نوع وجود داشتن و حاضر آمدنی در بین یک گروه انسانی که دارای یک سلسله عقیده ها و آرمانها هستند. البته حضور اجتماعی زنان، فقط معنای اشتغال زنان را نمی رساند بلکه هر نوع حاضر شدن در بین مردم جامعه را برای هر هدفی، حضور اجتماعی گویند.

دلایل مشروعیت حضور زنان در اجتماع

«مومنین راستین کسانی هستند که هم از نظر عقیده به خدا و پیامبرش معتقدند و هم از نظر درک مسائل اجتماعی و هوش جمعی، جامعه را خوب می شناسند و در مسائل جمعی همواره حضور دارند و منزوی نیستند.»^۱ «أَنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٦٢﴾»

مساله حجاب به عنوان یکی از اجتماعی ترین احکام، لزوم حضور زن در اجتماع را تایید میکند. همچنین سفارشات اسلام به رعایت مختلط نشدن مردان و زنان در محیط کار نشان می دهد که اسلام به حضور زنان در فعالیت های اجتماعی اهمیت می دهد و پیش بینی های لازم جهت این حضور اجتماعی را نموده است.^۳ تبیین احکام اجتماعی زنان در قرآن علاوه بر اینکه به حق اجتماعی زنان رسمیت می بخشد و به نیازهای آنان پاسخ می دهد، این مطلب را نیز بیان می کند که جامعه هم به حضور زنان نیازمند است.

دلایل مشروعیت حضور زنان در منابع معتبری بررسی شده از جمله:

قرآن

قرآن تصویری از زنان رسم می نماید که اگر اراده داشته باشند می توانند در محیطی مملو از شرک و کفر و پر از وحشت و ترس بایستند و عالمی را به سمت نور هدایت و راهنمایی کنند. قرآن کریم به طور صریح در آیاتی چند می فرماید: زنان از جنس مردان آفریده شده اند. خداوند در سوره نساء می فرماید ما شما را از یک نفس واحد آفریدیم و جفت آن را هم از

۱ عمید، بی تا ص ۵۰۴

۲ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۹۷

۳ حبیبی، بی تا، ص ۸۹

جنس آن قرار دادیم.^۱ در اسلام هیچ مطلب تحقیر آمیزی از جنس زن و طبیعت و سرشت او وجود ندارد و در جای جای قرآن زنان را در کنار مردان مورد خطاب قرار داده است و تنها تقوا را ملاک برتری خوانده. در رابطه با فعالیت و درآمد زنان می‌فرماید:

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا كَتَبْنَا وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٣٢﴾^۲ «و زنها آنچه را خداوند به [سبب] آن بعضی از شما را بر بعضی [دیگر] برتری داده آرزو مکنید برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده اند بهره‌ای است و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است و از فضل خدا درخواست کنید که خدا به هر چیزی داناست (۳۲)». در این آیه مبارکه خداوند حق اکتساب زنان و مردان را در کنار هم به رسمیت شناخته است آیه مباحله در قرآن کریم نیز به این حضور اشاره دارد: فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ﴿٦١﴾^۳ «پس هر که با تو درباره او [عیسی] پس از آنکه بر تو [به واسطه وحی، نسبت به احوال وی] علم و آگاهی آمد، مجادله و ستیز کند، بگو: بیاید ما پسرانمان را و شما پسرانمان را، و ما زنانمان را و شما زنانمان را، و ما نفوسمان را و شما نفوستان را دعوت کنیم؛ سپس یکدیگر را نفرین نماییم، پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم (۶۱)». با توجه به اینکه حضرت زهرا (سلام الله علیها) در مباحله حضور داشتند، مقصود از نساء، فقط ایشان هستند.^۴ این حضور به امر خداوند صورت گرفته؛ پس می‌توان گفت حضور حضرت زهرا (سلام الله علیها) در این جمع، دلیل بر جواز حضور اجتماعی زن است. حضور حضرت مریم (سلام الله علیها) یکی از آن موارد است که مورد پذیرش پروردگار بود و خداوند در مورد او فرمود: فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ اِنِّي وَضَعْتُهَا اُنْثَىٰ وَاَللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْاُنْثَىٰ ۗ وَاِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَاِنِّي اَعِيْذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ ﴿٣٦﴾^۵ زمانی که او را زایید، گفت: پروردگارا! من او را دختر زاییدم. و خدا به آنچه او زایید دانایتر بود؛ و آن پسر [که زاییدن او را آرزو داشت، در کرامت، عظمت، ارزش و شخصیت] مانند این دختر نیست؛ [پس در مقام نام گذاریش گفت:] البته من نامش را «مریم» نهادم، و او و فرزندانش را از خطرات مهلک و وسوسه های بنیان برانداز شیطان رانده شده به پناه تو می آورم. (۳۶) هرگز، پسر (در مقام و رتبه) مثل دختر نیست.^۶ نمونه یک زن قرآنی، حضرت مریم (سلام الله علیها) است که با وجود مخالفت رهبران یهودی به خدمت معبد درآمد و سپس از سوی خداوند به عنوان فردی امین و برای رسالتی عظیم انتخاب می‌شود؛ اگر حضور دختر ممنوع بوده، چرا خداوند متعال به آن اشاره ای نکرده و اینکه حضرت مریم (علیها سلام) زن برگزیده الهی است و امور منکر از او واقع نمی‌شود. فرمان خداوند به پیامبر اکرم (صلی الله علیع وآله وسلم) درباره بیعت با زنان که در آیه ۱۲ سوره ممتحنه بیان شده، حضور دختران حضرت شعیب (علیه السلام) که

۱نساء، ۴، آیه ۱

۲نساء، ۴، آیه ۳۲

۳آل عمران، ۳، آیه ۶۱

۴طبرسی، بی تا، ج ۲، ص ۷۶۳

۵آدینه وند، بی تا، ج ۱، ص ۵۳۴

۶آل عمران، ۳، آیه ۳۶

در آیه ۲۳ سوره قصص بیان شده، همگی نشان دهنده جواز حضور زن در اجتماع از طرف خدای متعال و اهمیت این موضوع است. البته اسلام هر نوع حضور و فعالیت زنان را تایید نمی‌کند، چه بسا زنانی که با حضور و فعالیت منفی و مخرب خود بلای جان خانواده و جامعه شده‌اند. قرآن از زنانی نام می‌برد که در جبهه کفر فعالیت داشتند؛ از جمله همسران حضرت نوح و حضرت لوط (علیهما سلام) که به عنوان نمونه و مثالی برای کافران معرفی شده‌اند.

عقل

عقل حکم می‌کند از آنجاییکه نیازهای اجتماع به برخی از خدماتی که در آنها به اندازه کافی، مرد وجود ندارد یا این کار بیشتر شایسته زنان است، یا توان زن در آن امور نسبت به مردان «از قبیل آموزش، درمان زنان و...» بیشتر است از حضور زنان استفاده شود.^۱ نصوص شرعی که به بیان احکام زن و وظیفه او در جامعه اسلامی می‌پردازند نخستین و مهمترین وظیفه زن به لحاظ جسمی و روانی را ایجاد خانواده و عهده داری امور شوهر و فرزندان، تربیت آنها و اداره خانواده و خانه‌داری می‌دانند، از این رو تشریح‌های ویژه زنان، پیرامون این وظیفه می‌چرخد و شامل مسائلی چون: تشکیل خانواده، رابطه زناشویی و وظیفه زن و شوهر در قبال یکدیگر، رابطه والدین با فرزندان و مسئولیت آنها در قبال فرزندان، زوال رابطه زناشویی و انحلال آن با طلاق و مرگ و نتایج آن بر تمامی افراد خانواده می‌گردد، اما این امور، تنها وظایفی نیست که عهده‌داری آن از زن مسلمان، خواسته شده است، به عنوان مثال زنان در عرصه پزشکی و آموزش بانوان نسبت به مردان ارجح هستند. فقیهان اجمالا بر مشروعیت انجام وظایف اجتماعی و اقتصادی زن به شرط عدم تاثیر عهده‌داری این امور بر وظیفه اساسی او در عرصه خانواده اذعان دارند.^۲

سیره

در اجتماعی که برای زنان چندان ارج و بهایی در نظر گرفته نمی‌شد، پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» بوسه بر دستان حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) زدند. ایشان می‌فرمود: «زن، بوی خوش و نماز در مکتب من دوست‌داشتنی هستند.» زنان در جامعه اسلامی دارای ارزش و منزلت هستند، همانطور که در سیره پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» و ائمه اطهار «علیهم السلام» این قضیه نمایان است. «اسماء دختر یزید انصاری، از طرف زنان مسلمان مدینه مامور شد به نمایندگی آنان نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برود و پیام گلایه آمیز زنان مدینه را به سوی رسول خدا ابلاغ کند و جواب بگیرد. اسماء بر رسول خدا وارد شد، گله و سوالات خود را مطرح کردند؛ رسول خدا رو کرد به اسماء و فرمود: (ای زن! آنچه می‌گویم درست فهم کن و به زنانی که تو را فرستاده‌اند نیز بفهمان. پنداشتی که هر که مرد شد به واسطه این کارها که برشمردی توفیق اجر و پاداش و فضیلت میابد و زنان محرومند؟ خیر چنین نیست، زن اگر خوب خانه‌داری و شوهرداری

۱ پزشکی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۲

۲ همان ص ۱۶۳

کند، نگذارد محیط پاک خانه با غبار کدورت آلوده شود، اجر و پاداش و فضیلت و توفیقش معادل است با همه آن کارها که مردان انجام می دهند.^۱

هرچند بر اساس مطالب بالا منطق اسلام در ارزشگذاری زن در مقام خانه‌داری معلوم می‌گردد لکن سیره پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) حضور زنان در مناصب اجتماعی را تایید می‌کند. رسول گرامی اسلام در زمان جنگ، به برخی از زنان، ماموریت مداوای افرادی که در جنگ مجروح می شدند را بر عهده شان می گذاشت و زنانی دیگر در تامین آب و غذای سربازان و دیگر وظایف لشکری. نمونه‌ای از کسب انواع فضایل و درجات، علاوه بر فضیلت مادری و همسری و خانه‌داری در این مجال بررسی می‌شود:

الف: زنان در میدان علم

زنان به عنوان گروهی از جامعه انسانی، در عرصه ایمان و کمال علمی تفاوتی با مردان ندارند بلکه گاهی هم می‌توانند به مقامی دست یابند که مردان بزرگ، از آنان درس تقوا و شجاعت بگیرند، نمونه‌های آشکاری هم از این زنان در تاریخ وجود دارد؛ زنانی که با تربیت خویش و حرکت در جهت رضای خداوند در مسیر الهی گام برداشتند.^۲ حضرت محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمودند: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة».^۳

زنان دانشمند، زنان مرجع، زنان حافظ و قاری، زنان معلم

حضرت فاطمه زهرا «سلام الله علیها» و برخی همسران پیامبر معلم بسیاری از بانوان آن زمان بودند، زینب کبری «سلام الله علیها» کرسی تدریس داشتند و بهترین الگو در مساله آموزش به زنان در عصر ولایت هستند. ایشان عالمه غیر معلمه هستند. فعالیت‌های علمی فراوانی از زنان صدر اسلام در کتابهای تاریخی ثبت شده است و ثمره‌ی این فعالیت‌های علمی در جامعه بروز خواهد داشت. هرچند برای کسب علوم هم باید در اجتماع علمی حاضر شد. حضرت فاطمه زهرا «سلام الله علیها» شاگردانی مثل اسماء، فضا، ام ایمن و رقیه داشتند، ام سلمه دیگر زنان پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» نیز از معلمان مدارس زنان بوده‌اند. پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هم حضرت فاطمه زهرا «سلام الله علیها» و همسران پیامبر خدا در مسائل دینی و فقهی مرجع مردم شدند و خانه هر یک از آنها به صورت مدرسه‌ای درآمد و آنان به عنوان مصادر تحقیقاتی بزرگان در آمده بودند.

ب: زنان دین گستر در میدان عمل

از جمله فعالیت‌های زنان در عرصه عمل میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

حضور زنان در بیعت، زنان و هجرت، زنان راوی، زنان و امر به معروف و نهی از منکر

۱ مطهری، ۱۳۷۹، ص ۲۰۵-۲۰۶

۲ روحانی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰

۳ مجلسی، بی تا، ج ۶۷، ص ۶۸

در تمامی این عرصه هایی که تیتروار بیان شد، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در راس و الگویی بی بدیل بودند و آنجا که این بانوی بی بدیل در دفاع از حریم امامت و ولایت تمام قد ایستادگی کردند، زبان از بیان، قاصر است. در باب شرایط و کیفیت حضور زنان مقوله پوشش، مهمترین جایگاه را داراست.

پوشش زنان

از نظر اسلام فعالیت اقتصادی زن در بیرون از محیط خانواده تا زمانی که منجر به انهدام کرامت و شخصیت و منزلت والای او نشده و احیاناً وسیله اشاعه و ترویج فساد و تباهی و رکود فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه نشود، مقبول و مشروع و در غیر این صورت، مطرود و محکوم است. اسلام با وضع قانون پوشش برای بانوان، در اصل امنیت او را در ابعاد مادی و معنوی تامین کرده است و اینگونه از دین و دنیای او حمایت کرده است: ذَلِكْ اَذْنِي اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ [پوشش] به اینکه [به عفت و پاکدامنی] شناخته شوند نزدیک‌تر است، و در نتیجه [از سوی اهل فسق و فجور] مورد آزار قرار نخواهند گرفت^۱ اسلام با مطرح کردن پوشش زنان در واقع جواز حضور او در اجتماع را صادر فرموده و دستوراتی راهگشا و حکیمانه ای در چگونگی روش و سیره اجتماعی او ارائه کرده. در این بخش به برخی از وظایف و شرایط حضور زن در جامعه می‌پردازیم: یکی از شرایط حضور زن در جامعه، رعایت پوشش و حجاب است. پوشش پیام تقواست. پوشش پیام عفت است و زنان با پوشش خود این پیام را به نامحرمان منتقل کرده و باعث ایجاد یک حریمی از طرف مقابل می‌شود و اینگونه کمتر مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد. حجاب به عنوان یکی از احکام و جویب اسلام، بدین معناست که: زن هنگام معاشرت با مردان خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد^۲. از مصادیق حجاب می‌توان به پوشش جلبابی، پوشش خماری، پوشش زینت و زیورآلات اشاره کرد.

پوشش جلبابی

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ۚ ذَلِكُمْ اَذْنِي اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ عَفُوًّا رَحِيمًا ﴿٥٩﴾

«ای پیامبر! به همسران و دختران و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: چادرهایشان را بر خود فرو پوشند [تا بدن و آرایش و زیورهایشان در برابر دید نامحرمان قرار نگیرد]. این [پوشش] به اینکه [به عفت و پاکدامنی] شناخته شوند نزدیک‌تر است، و در نتیجه [از سوی اهل فسق و فجور] مورد آزار قرار نخواهند گرفت؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵۹)»^۳ جلباب به معنای پیراهن و چادر زنان است.^۴

۱ احزاب ۳۳، آیه ۵۹

۲ دانشنامه جهان اسلام، مقاله حجاب، ش ۵۸۱۶

۳ احزاب ۳۳، آیه ۵۹

۴ دهخدا، بی تا، ج ۱۶، مدخل جلباب، ص ۷۵

خلیل ابن احمد فراهیدی درالعین بیان کرده «الجلباب اوسع من الخمار دون الرداء تغطي به المرثه راسها و صدرها»^۱ «جلباب جامه‌ای است که از چارقد بزرگتر و از عبا کوچکتر است که زن به وسیله آن سر و سینه خود را می‌پوشاند. ابن منظور هم همین معنارابرگزیده است.^۲ از طرفی در آیه جلباب واژه (یدنین) آمده؛ «یدنین علیهن من جلابیهن» یعنی دوطرفه چادر را به هم نزدیک سازند. از آنچه آمد روشن شد که قریب به اتفاق واژه شناسان و لغویان جلباب را به روسری‌ها و مقنعه‌هایی معنا میکنند که از چارقد بزرگتر و از عبا کوچکتر است.^۳ علامه در تفسیر آیه فوق می‌فرماید: جلباب یعنی جامه بلندی که تمام بدن را بپوشاند و یا روسری و مقنعه مخصوصی که صورت و سر را می‌پوشاند. خداوند متعال می‌فرماید: ای رسول خدا به همسران و دختران و زنان مومن امتت بگو که جلباب‌های خود را طوری جلو کشند که زیر گلو و سینه هایشان آشکار نباشد و این پوشاندن بدن به اینکه این صورت شناخته شوند که به اهل حجاب و عفاف نزدیکترند. در نتیجه وقتی مردان بدانند که آنها اهل حجاب و عفت هستند، دیگر آنها را اذیت نمی‌کنند و اهل فسق و فجور متعرض آنها نمی‌شوند و با این پوشش نزدیکتر است به اینکه آنها را به عنوان زن مسلمان و آزاد بشناسند و متعرض آنها نشوند، چون کنیزان در آن زمان حجاب نداشتند، و دیگر اینکه این نوعی رحمت، آمرزش و عیب پوشی خداوند نسبت به بندگان است.^۴ «زنان در اجتماع با رعایت نکردن پوشش مناسب و کامل، مورد آزار و اذیت قرار گرفته می‌شوند. «قرآن کریم در سوره نور در خطاب به حجاب زنان به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌فرماید. در حقیقت چادر و حجاب کامل نشانه پاکدامنی، ایمان، سلامت روح و شخصیت والای زن می‌باشد. حضرت زهرا (سلام الله علیها) بانوی بزرگواری که جلوه کامل کمالات الهی بودند و برترین اسوه و الگوی انسانها می‌باشند، از برترین حجاب اسلامی که چادر عربی و پوشیه است برخوردار بودند چنین بانوی بی نظیر و با عظمت به حق می‌توان گفت که اجتماعی ترین و متمدن ترین فرد روزگار بوده. بنابراین چادر و پوشش عقیفانه میراث آن بانوی بزرگ اسلام است که تنها شیعیان و محبین راستین ایشان به ارث برده اند و می‌بینند. ایشان همانند آن حضرت و به پیروی از حضرت مشمول این بشارت بزرگ پروردگار عالم می‌گردند. زنان و مردان خردمند، تشنه حق و جویای حقیقتند و از حق با آغوش باز استقبال می‌کنند. اینان، به حق از هدایت یافتگان هستند که در قیامت با قرآن و پیشوایان دین محشور و به سوی بهشت، هدایت می‌شوند. طوبی لهم...»^۵

پوشش خماری

در رابطه با این نوع پوشش (پوشش خماری) در قرآن کریم و روایات اشاراتی شده است.

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ۖ وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ... ﴿۳۱﴾ «و به زنان با ایمان بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، و

۱ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۳۲

۲ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۱۷

۳ قاسمی، بی تا، صص ۴-۶

۴ سبحانی نژاد، بی تا، تبیین سلوک اجتماعی زنان در تمدن اسلامی، با بهره گیری از تفسیر المیزان

۵ عرشیان، ۱۳۹۱، ص ۳۹

زینت خود را [مانند لباس های زیبا، گوشواره و گردن بند] مگر مقداری که [طبیعتاً مانند انگشتر و حنا و سرمه، بر دست و صورت] پیدا است [در برابر کسی] آشکار نکنند، و [برای پوشاندن گردن و سینه] مقنعه های خود را به روی گریبان هایشان بیندازند... (۳۱)»^۱ خمر، جمع خمار به معنای مقنعه، سرپوش، چادر نماز و چارقد^۲ است. بررسی مجموعه های لغوی اینگونه می رساند که گویا خمار پارچه ای برای پوشش سر بانوان بوده. خلیل ابن احمد فراهیدی خمر را اینگونه معنا میکند: وسیله ای که ظرف را می پوشاند و بر ظروف پوشش می افکند و می گوید: خمرتها ماغشی المخمور علی الخمار.^۳ راغب اصفهانی اصل آن را پوشاندن اشیاء می داند و می نویسد: خمار وسیله ایست که با آن چیزی را می پوشاند ولی عرفا مختص به چیزی شده که زن سر خود را با آن می پوشاند. إختمرت المرأة: یعنی زن خود را پوشانید.^۴ از مجموع آنچه آوردیم می توان نتیجه گرفت که خمار سرپوش زن می باشد و آیه «ولیضربن بخرهن علی جیوبهن» را اینگونه معنا می کنیم: زنان بایستی روسری های خود را بر گریبان های خویش بیندازند.

پوشش زینت و زیور آلات

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ۖ وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ^۵ «کلمه زینت در عربی از کلمه زیور در فارسی، اعم است. زیرا زیور به زینت هایی گفته می شود که از بدن، جدا می باشد مانند طلا آلات و جواهرات؛ ولی کلمه زینت، هم به این دسته گفته می شود و هم به آرایشهایی که به بدن متصل است نظیر سرمه و خضاب.»^۶ این آیه دستور می فرماید که زنان نباید آرایش و زیور خود را آشکار سازند.

گفتار زنان

دین اسلام علاوه بر پوشش مناسب و نگاه پیراسته از آلودگی بر گفتگوی سالم با نامحرم نیز تاکید کرده است. در گفتگو و تعامل بین زن و مرد بدون شک محتوای سخن می تواند فتنه انگیز باشد. زن و مرد نامحرم در هنگام حضور و مشارکت در جامعه باید در سخن گفتن از سخنان بیهوده و لغو پرهیزند و سخنان نیکو، جدی و مورد پسند عرف اسلامی باشد. روایات فراوانی که به تعبیرهای گوناگون از گفتگوی با زنان و ارتباط گفتاری با آنان را مذمت کرده یا زنان را از تکلم با مردان منع کرده، درصدد بیان خطری است که از این ناحیه ممکن است دامن گیر زن و مرد شود. با جستجو در آیاتی که درباره گفتگوی زنان و مردان نامحرم وارد شده می توان دیدگاه قرآن کریم را در این رابطه دانست.

۱ نور ۲۴، آیه ۳۱

۲ دهخدا، بی تا، ج ۲۱، مدخل خمار، ص ۷۲۵

۳ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۶۳

۴ راغب اصفهانی، ص ۱۵۹

۵ نور ۲۴، آیه ۳۱

۶ مطهری، ۱۳۷۹، ص ۱۳۱

گفتگوی زنان و مردان معصوم

گفتگوی حضرت زکریا با حضرت مریم (علیها سلام)، گفتگوی حضرت سلیمان (علیه السلام) با ملکه سبا، گفتگوی حضرت موسی (علیه السلام) با دختران حضرت شعیب (علیه السلام)، گفتگوی خواهر حضرت موسی (علیه السلام) با ماموران فرعون، گفتگوی مردم با حضرت مریم (علیها سلام). روایات فراوانی هم در زمینه گفتگوی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با زنان در زمینه احکام و پرسشهایی که از ایشان می شد در دست است. قرآن کریم یکی از نمونه های این گفتگو را در سوره مبارکه مجادله بیان فرموده اند: **قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا ۗ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ**^۱ «به راستی خدا گفتار [زنی] را که درباره همسرش با تو گفتگو داشت و به خدا شکایت می کرد، شنید و خدا گفتگوی شما را می شنود؛ زیرا خدا شنوا و بیناست. (۱)». باید دانست اگر خداوند متعال اجازه این گفتگو را صادر فرموده، برای آن چهارچوب و قوانینی وضع فرموده است که با رعایت این چهارچوب ها است که انسان در مسیر سعادت ابدی گام برداشته است.

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ ۗ إِنَّ اتَّقِيْنَ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿۳۲﴾ ای همسران پیامبر! شما اگر پرهیزکاری پیشه کنید [از نظر منزلت و موقعیت] مانند هیچ یک از زنان نیستید، پس در گفتار خود، نرمی و طنازی [چنانکه عادت بیشتر زنان است] نداشته باشید تا کسی که بیمار دل است طمع کند، و سخن پسندیده و شایسته گوید. (۳۲)»^۲ علامه در تفسیر این آیه چنین بیان میدارد: دستوراتی چند به همسران پیامبر اکرم (ص): (فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض) - بعد از آنکه علو مقام، و رفعت منزلت همسران رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را به خاطر انتسابشان به آن جناب بیان نموده، این علو مقامشان را مشروط به تقوی نموده، و فرموده که فضیلت آنان به خاطر اتصالشان به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیست، بلکه به خاطر تقوی است، اینک در این جمله ایشان را از خضوع در کلام نهی می کند، و خضوع در کلام به معنای این است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند، تا دل او را دچار ریه، و خیالهای شیطانی نموده، شهوتش را بر انگیزانند، و در نتیجه آن مردی که در دل بیمار است به طمع بیفتد، و منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است، آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات باز می دارد. (و قلن قولاً معروفاً) - یعنی سخن معمول و مستقیم بگوئید، سخنی که شرع و عرف اسلامی (نه هر عرفی) آن را پسندیده دارد، و آن سخنی است که تنها مدلول خود را برساند، (نه اینکه کرشمه و ناز را بر آن اضافه کنی، تا شنونده علاوه بر درک مدلول آن دچار ریه هم بشود).^۳ در این خصوص رعایت لحن گفتار هم بسیار مهم است. علامه در تفسیر المیزان می فرماید: شیوه گفتار زنان با ایمان و مقید، با مردان بیگانه، باید جدی و سنجیده باشد و از هرگونه اداهای ناسازگار با عفاف و نجابت و برانگیختن هوی و هوس دل های بیمار گونه به دور باشند.^۴

۱ مجادله ۵۸، آیه ۱

۲ احزاب ۳۳، آیه ۳۲

۳ طباطبایی ذیل آیه ۳۲ سوره احزاب

۴ سبحانی نژاد، تبیین سلوک اجتماعی زنان در تمدن اسلامی، با بهره گیری از تفسیر المیزان

قرآن با بیاناتی زیبا و در عین احترام، به استفاده زن از حق طبیعی خود در سخن گفتن با دیگران آنان را از خضوع در قول، نهی کرده و فرموده است: فلا تخضعن بالقول لیطمع الذی فی قلبه مرض. خضوع در قول، حالت خاصی از گویش همراه با نرمی در گفتار و نازکی صدا در ادای کلمات است.^۱ گرچه این آیه شریفه زنان پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار داده اما مشخص است که رعایت این دستورات بر همه زنان است.^۲ پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم) فرمودند: هر کس با زن نامحرم بگوید و بخندد، خداوند او را برای هر کلمه در دنیا، هزار سال در آخرت زندانی خواهد کرد.^۳ باید در سخن گفتن، به معروف سخن گویند (و قلن قولاً معروفافض) منظور سخن درستی است که واژه ها و جملات آن از نظر ظاهر، محتوا و قالب، مقبول شریعت اسلامی باشد، حاوی مطالب منکر و زشت نباشد، سخنی که فقط مدلول خود را برساند و از سخنان بیهوده، لهو و لعب و دور از ادب و اخلاق پرهیزند.^۴ قرآن کامل ترین راهنمای انسان در زندگی فردی و اجتماعی است، آموزه‌های خاصی برای تنظیم روابط زنان و مردان دارد. در برخی از آیات قرآن کریم، مومنان و به خصوص زنان از رفتارهایی که سبب جلب توجه و تحریک نامحرم می شود، نهی شده اند و بر حیا و عفت در مقابل نامحرم تاکید شده است.^۵ حتی در قرآن کریم به نوع نگاه زنان به مردان نامحرم اشاره شده است: وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ «و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند».^۶ در سوره مبارکه نور بعد از اینکه مردان مومن را از چشم چرانی و نگاه ناپاک نهی میکند، به زنان نیز دستور غضب بصر می دهد. غضب بصر یعنی خیره نشدن، کم کردن نگاه. و معنای آیه این است که زنان چشم چرانی نکنند و خیره نشوند.

کیفیت راه رفتن

در دوران گذشته زنان عرب به پای خود خلخال می بستند، هنگام راه رفتن با صدای آن نظر مردان نامحرم را به خود جلب می کردند، قرآن زنان را از این کار منع می فرماید و در حالت کلی هر کاری که مثل صدای خلخال موجب جلب توجه نامحرمان باشد (صدا و کیفیت غیر معمول کفش) خداوند از آن نهی فرموده است. در آیه ۳۱ سوره نور آمده که زنان باید در رعایت عفت در راه رفتن آنچنان دقیق عمل کنند که صدای زینت پاهایشان به گوش نرسد و باعث تحریک مردان بیگانه نشوند. سوره نور در حقیقت سوره عفت و پاکدامنی و پاکسازی از انحرافات جنسی است، و بحثهای مختلف آن از این نظر انسجام روشنی دارد، آیات مورد بحث که احکام نگاه کردن و چشم چرانی و حجاب را بیان می دارد نیز کاملاً به این امر مربوط است و نیز ارتباط این بحث با بحثهای مربوط به اتهامات ناموسی بر کسی مخفی نیست. دومین دستور در آیه فوق همان مساله حفظ فروج است. منظور از حفظ فرج به طوری که در روایات وارد شده است پوشانیدن آن از نگاه کردن

۱ طبری

۲ خویی، ج ۱، ص ۱۰۳

۳ شیخ حرعاملی، ج ۱، ص ۴۲

۴ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۶، ۳۰۸

۵ سوره احزاب ۳۳، آیه ۳۲

۶ نور ۲۴، آیه ۳۱

دیگران است، در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم: کل آیه فی القرآن فیها ذکر الفروج فهی من الزنا الا هذه الایة فانها من النظر: هر آیه‌ای که در قرآن سخن از حفظ فروج می‌گوید، منظور حفظ کردن از زنا است جز این آیه منظور از آن حفظ کردن از نگاه دیگران است. در قرآن اشاره دارد بر حیا و عفتی که دختران حضرت شعیب (علیه السلام) در راه رفتن، رعایت می‌کنند^۱ قرآن این گونه الگو معرفی می‌کند به زنانی که طرح و برنامه رفتاریشان را از پروردگار عالم می‌پذیرند.

پرهیز از افراط در حضور اجتماعی

در میزان حضور در اجتماع، زنان باید به حد ضرورت اکتفا کنند، اسلام زن و مرد نامحرم را از صحبت کردن با هم و برخوردی که لازمه رسیدگی به کارهای روزمره است منع نموده؛ البته در صورتی که بدون هیچ شائبه‌ای بوده و به مسائل دیگر آلوده نباشد.^۲ خداوند متعال در این رابطه می‌فرماید:

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى ۚ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿۳۳﴾^۳ «و در خانه هایتان قرار و آرام گیرید، و [در میان نامحرمان و کوچه و بازار] مانند زنان دوران جاهلیت پیشین [که برای خودنمایی با زینت و آرایش و بدون پوشش در همه جا ظاهر می‌شدند] ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید و زکات بدهید، و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید، جز این نیست که همواره خدا می‌خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت [که به روایت شیعه و سنی محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام اند] برطرف نماید، و شما را چنان که شایسته است [از همه گناهان و معاصی] پاک و پاکیزه گرداند.»^۳ افراط در حضور زنان در اجتماع، باعث عوارضی از جمله، کاهش ارتباط عاطفی با شوهر، بی‌رغبتی به شوهر، رها کردن وظیفه اصلی تربیت فرزندان و... می‌شود. آموزه‌های اسلامی در زمینه زن و مسائل مربوط به او به قدری جذاب است که اگر به درستی منتشر شود، بسیاری را مجذوب خود خواهد کرد. بزرگترین معضلی که برای زنان از طرف دشمنان ایجاد شده این است که آنها را درگیر مسائل حاشیه‌ای و تفریحی جامعه کرده است. بنابراین، زنی که خودش را به دست افراط و تفریط بسپارد، از مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی، غافل خواهد شد. چنین زنی نه تنها نخواهد توانست در بعد مادی، همگام با مردان به تلاش و فعالیت اجتماعی بپردازد و از نیروی خود در پیشرفت جامعه استفاده کند، بلکه تا حد فراوانی خنثی کننده توان مادی و نیروی فکری مردان نیز خواهد شد.»

جمع بندی

در جمع بندی مطالب پیش گفته شده که گردآوری از کتاب‌ها و مقالات مربوط به موضوع حضور اجتماعی زنان بوده باید اینگونه بگوییم که: بررسی جواز حضور زنان در اجتماع و کیفیت این حضور از منظر قرآن و روایات که مهمترین، متقن

۱ قصص ۲۸، آیه ۲۵

۲ مفیمی و حسین خانی

۳ احزاب ۳۳، آیه ۳۳

ترین و جامع و کاملترین بسته هدایتی برای زندگی بشر است، البته برای افرادی که خواستار دریافت این هدایت هستند، بیشتر به منظور ارائه طریق درست حضور اجتماعی به بانوان بوده و برای داشتن خانواده و جامعه‌ای سالم و از طرفی دیگر برای داشتن روح و جسمی سالم است. متأسفانه با دور شدن مردم از آغوش قرآن و سیره اهل بیت (علیهم السلام) بستر زندگی ناسالم، فساد و فحشاء و از هم پاشیدگی خانواده‌ها بیشتر فراهم گشته و متأسفانه امر به معروف و نهی از منکر از جامعه رخت بریسته. این حقیر به عنوان یک بانوی مسلمان احساس میکنم که با وجود پژوهش‌های بسیار زیادی که در زمینه نحوه حضور بانوان در اجتماع است، اما آثار این پژوهش‌ها کمتر دیده می‌شود، چرا که فقط در حد نوشتار باقی مانده و در مرحله عمل، تکاپو برای عملی کردن این دانسته‌ها بسیار کم است. زنان جامعه ما اگر بدانند که اسلام چه اهمیتی به زن و مسائل مربوط به او قائل است و دین را به صلاح خود بدانند، هرگز خود و افسار زندگی‌شان را به دست بیگانگان دور از دین و اسلام نداده و بر شهوت جلوه‌گری خود غلبه خواهند کرد. البته که باید به این مهم نیز توجه داشت که جامعه نیز باید برای بانوان کیفی سازی شود تا به حضور مثبت و بی‌آفت زنان کمکی کرد؛ به عنوان مثال مشاغل مردانه و زنانه جداسازی شود نه اینگونه که در برخی مشاغل می‌بینیم که شغل‌های مخصوص آقایان توسط بانوان انجام می‌شود و یا برعکس. به شغل مقدس خانه‌داری بهای بیشتری داده شود تا زنان مجبور نباشند برای تامین مخارج خود و خانواده به هرشغلی روی بیاورند و بسیار راهکار در این زمینه می‌توان ارائه داد که بامشورت اهل فن می‌توان به آن راهکارها رسید و آنها را عملی کرد. امید آن دارم که حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نگاهی بر این حقیر و نوشتارم انداخته و زمینه عملی شدن آن در بین مردم جامعه و حتی مردم سراسر دنیا را فراهم بنمایند. این حقیر از آشنایان خود شروع کرده و نسخه‌ای از این نوشتار را به ایشان هدیه می‌دهم تا شاید کارساز افتد. و من الله التوفیق...

نتیجه گیری

کمال یک زن یعنی اینکه در پرتو خودشناسی و کسب فضایل اخلاقی و شکوفا نمودن استعدادهای خدادادی به اجرای دستورات الهی بپردازد. زمانی زن یک موجود با ارزش به حساب می‌آید که از قید مادیات و تجملات و خود آرایی‌های عبث رها شده و به ظواهر دنیا اکتفا ننموده و به معنی رسیده باشد. زن مستقل، در عرصه خانواده همسری فداکار و قانع، مادری مهربان و پر عاطفه و مدیری مدبر خواهد بود و در عرصه اجتماعی با کسب موفقیت، و موقعیت‌های مناسب ساختار وجودی خویش و با عفت و حجاب در برنامه ریزی‌ها و کارهای تحقیقاتی و اجرایی، فعالانه حضور دارد. گفتنی است برای مشخص شدن اینکه آیا زن، منصب اجتماعی باید داشته باشد یا خیر، باید به نمونه بارز دخت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) توجه نمود و به حضور با شکوه او در اجتماع دقت کرد، زیرا غیبت زنان از صحنه اجتماع، خطر بزرگی است که امام خمینی «رحمة الله علیه» این خطر را احساس می‌کردند و بر شرکت زنان در اجتماعات توجه لازم داشته و می‌فرمودند: اسلام به هر دوی آنها (زن و مرد) حق تصمیم گرفتن درباره سرنوشتشان و برخورداری از تمام آزادی‌ها را اعطا کرده است. حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق آموزش و کار و نیز حق اعمال تمام، دست زنان را گرفته و در قبال مردان نگه داشته. پوشیده بودن زنان نه تنها موجب تقویت بنیان خانواده است بلکه سبب حفظ ارزش زن و جلوگیری از ابتذال و تباهی او نیز می‌باشد. حجاب برای زنان مانند صدفی می‌باشد که گوهر وجودش را از گزند خطرها و آسیب‌ها در برابر نامحرمان و

بیگانگان مصونیت بخشیده و بیمه‌اش می‌نماید و به جامعه خصوصاً جوانان آرامش می‌بخشد و مانع هر گونه گسترش فساد و گرایش به فحشاء می‌شود. والسلام علی من اتبع الهدی...

منابع و مأخذ

* قرآن کریم

* نهج البلاغه (محمد دشتی، انتشارات زاهدی، چ اول، ۱۳۸۵)

الف) کتاب‌ها:

۱. آمدی، ابو الفتح، غررالحکم و دررالحکم، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا
۲. آشتیانی، محمدرضا، عفاف، مشهد، ثامن الحجج، ۱۳۸۰
۳. ابن منظور، لسان العرب، انتشارات دارصادر، بیروت، ۱۴۱۴ق
۴. الیاس انطون الیاس، فرهنگ نوین، نشر اسلامی، ۱۳۶۳
۵. انیس، ابراهیم، فرهنگ المعجم الوسیط (عربی-فارسی) ۱۳۸۲
۶. بهروزی، مریم، حجاب هاله ای از عفاف، تهران، آتلیه هنر، ۱۳۸۷
۷. پزشکی، محمد، صورت بندی مطالعات زنان در جهان اسلام، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷
۸. تنه کار، محسن، لباسی بی‌پوش که دیده نشوی، قم، چاپ نسیم حیات، ۱۳۹۲
۹. جبران مسعود، فرهنگ الفبایی عربی-فارسی، انتشارات آستان قدس رضوی، چ ۶، ج ۲، ۱۳۸۹
۱۰. جعفریان، رسول، رسائل حجابیه، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۰
۱۱. حسینی، احسان، روابط زن و مرد از دیدگاه اسلام، انتشارات پویندگان دانش، ۱۳۸۹
۱۲. حق شناس، جعفر، نظام اسلامی و مساله حجاب، قم، چاپ خاتم الانبیاء، ۱۳۸۷
۱۳. خامنه ای، سید علی، زن و بازیابی هویت، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰
۱۴. دشتی براز جانی، عبدالمجید، حماسه عفاف و حجاب، قم، کریمه اهل بیت، ۱۳۹۳
۱۵. ذبیحی، محمدصادق، حجاب عزت است یا اسارت، مشهد، پیام طوس، ۱۳۸۸

- ۱۶.رزافی، احمد، عوامل فساد و بدحجابی و شیوه های مقابله با آن، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات، ۱۳۷۱
- ۱۷.روحانی، طاهره، زنان دین گستر در تاریخ اسلام، قم، توحید، ۱۳۸۲
- ۱۸.زعفرانچی، لیلی سادات، اشتغال زنان، تهران، مرکز امورزنان و خانواده، ۱۳۸۸
- ۱۹.صفری، حلیمه، الگوهای رفتاری حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها)، انتشارات مشهور، چ ۱، ۱۳۸۲
- ۲۰.طباطبایی، سید محمد، زن در اسلام، قم، چاپ باقری، ۱۳۸۴
- ۲۱.طباطبایی، محمدحسین، زن در قرآن، قم، نشرهاجر(به کوشش حوزه علمیه خواران)
- ۲۲.طباطبایی سید محمد حسین (۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ش)، ناشر اسماعیلیان، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، بی جا
- ۲۳.طبرسی، فضل ابن حسن، مجمع البیان، بی جا، بی تا
- ۲۴.عرشیان، حسن، ریحانه عفاف، بیت الاحزان، ۱۳۹۱
- ۲۵.عمید، حسن، فرهنگ عمید، بی تا، بی جا
- ۲۶.فراهیدی، خلیل ابن احمد، العین، انتشارات دارالهجره، قم، ۱۴۰۹ق
- ۲۷.قلی زاده، محمد، پرسمان حجاب شناسی، نشر امیرالعلم، بی تا، بی جا
- ۲۸.کلینی، محمد ابن یعقوب، کافی، ج ۲، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۵
- ۲۹.کوثری، یدالله، بهداشت روانی خانواده، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۰
- ۳۰.مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ ۵۱، ۱۳۸۸
- ۳۱.مطهری، مرتضی، مساله حجاب، تهران، صدرا، ۱۳۷۹
- ب) مقالات
- ۱.آهی، محمد، گفتمان قرآنی در ابعاد حضور اجتماعی زن
- ۲.اکبری، نعمت الله، موانع و مشکلات مشارکت زنان در اجتماع، ش ۵۸
- ۳.حبیبی، شهلا، زن فرهنگ اسلامی و توسعه، فصل نامه مجلس شورای اسلامی، تهران، ش اول
- ۴.ربیع نتاج، سیدعلی اکبر-روح اله زاده، عالیه، حضور زن در جامعه از دیدگاه قرآن و روایات
- ۵.روحانی مشهدی، فرزانه، نقش اجتماعی زنان در رابطه با مردان از نگاه قرآن و روایات، ش ۴، ۱۳۹۳

۶. طاهری نیا، احمد، زن و کیفیت حضور او در اجتماع از منظر قرآن کریم، ش ۱۰۷

۷. طاهری نیا، احمد، ارتباط گفتاری زن و مرد نامحرم از دیدگاه کتاب و سنت، ش ۱۳۸۶، ۱۲۲

۸. فرهمند پور، فهیمه، نشست تبیینی گفتمانی زن و خانواده در اندیشه رهبر انقلاب

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تازه های آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تازه های آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تازه های آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران